

هم‌گام با شهسوار ایمان

تأویلی بر کتاب «ترس و لرز» اثر سترگ «سورن کی‌یرکگارد»



مینا رادمنش
 نویسنده

در کتاب «ترس و لرز»، ما شاهد بازخوانی فلسفی روایت ابراهیم و اسحاق هستیم. آنچه فیلسوف دانمارکی را مصمم به نگاشتن اثر ترس و لرز می‌کند، درک ایمان ابراهیم است به امر محال، ایمانی که آمیخته با اضطراب قطع تعلق است. در کتاب ترس و لرز، ایمان مؤمن به‌مثابه تیغی است که بندهای تعلق را از هم می‌درد. ابراهیم هنگامی که به اتفاق اسحاق از کوه موریه بالا می‌رود و آنگاه به دستور خداوند وارد بر گلوی فرزندش می‌گذارد، ایمان به امر محال دارد. امر محال، به‌معنای رخدادی معجزه‌وار است که جان فرزندش را نجات می‌دهد. شاید این ایمان شورانگیز، دقیقاً گم‌شده‌ی عصر ما باشد، به‌عبارتی این ایمان همان محافظ‌الهی انسان در برابر پوچی اجتناب‌ناپذیر هستی است؛ زیرا ایمان نه از جنس تعصب است که انسان را به ایستایی فاهمه بکشاند، نه از جنس شک است که پایه‌های اندیشه را بر گسل عقل بنا کند. ایمان اضطرابی است تقدیس‌یافته، موهبت مخصوص خداوند به بندگانی که اراده در ایشان به قطع تعلق از مناسبات هستی سوق دارد. ناگفته نماند که مقصود کی‌یرکگارد از بازنویسی چندباره روایت ابراهیم و اسحاق، تأکید بر شناسایی مفهوم اضطراب است، زیرا بر این باور است که مهمترین شاخصه‌ی ایمان ابراهیم، یعنی اضطراب در روایات دینی نادیده گرفته شده است. در فرازی از کتاب ترس و لرز، می‌گوید: «تنها آن کس که اضطراب را شناخته است، آرامش می‌یابد، تنها آن کس که کارد می‌کشد، اسحاق را به دست می‌آورد.»

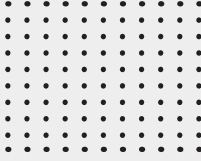
مفهوم قطع تعلق- که در حوزه دینی با شهادت معنایی می‌شود- در فلسفه کی‌یرکگارد مترادف با شهسوار ایمان است. اطاعت از اقتدار الهی، نزد شهسوار ایمان برتر از دوری عقلانی خود است. این تطمیع یادآور اخلاق کانت و تقدیرگرایی شوپنهاور است اما با تفاوتی عمیقاً استثنایی که من آن را «عشق» می‌دانم، زیرا کی‌یرکگارد بیش از آنکه به دنبال ریشه‌های عقلانی برای مفهوم ایمان باشد، جست‌وجوگر ریشه‌های قلبی است. این کنکاش او را به جایی می‌رساند که در کتاب ترس و لرز می‌گوید: درست در جایی که عقل پایان می‌یابد، ایمان آغاز می‌شود.

او شهسوار ایمان را، به‌نوعی قهرمان مفقود شده دنیا می‌داند. می‌گوید: «عصر ما این‌سبب عیب را دارد که قهرمان نمی‌آفریند، این حسن را هم دارد که کاریکاتورهای اندکی ایجاد می‌کند.» کنایه‌ی آشکار در این گزاره، روشن می‌کند که کی‌یرکگارد نیز مانند شکسپیر، طالب قهرمان است. او بازگشتن به عهد عتیق و ترازوی‌های شکسپیر را آرزوی روحی خود می‌داند. البته شهسوار ایمان کی‌یرکگارد یک برتری غایی بر افتخار جویی قهرمان‌های شکسپیر دارد و این برتری همانا ایمان است و ادراک الهی مفهوم اضطراب. کی‌یرکگارد ایمان را به‌عنوان بالاتر از اخلاق می‌داند و از تعلق روایت ابراهیمی آن به‌عنوان غایت‌شناسی امر اخلاقی یاد می‌کند؛ غایتی که بدون در نظر گرفتن مفهوم «اضطراب و پارادوکس»، ابراهیم را تا سر حد یک قهرمان ترازوی تقلیل می‌دهد. زیرا اگر تعلق از روایت ابراهیم کنار گذاشته شود، روایت بدل به یک ترازوی غیرقابل درک خواهد شد. کوشش اصلی او برای تفسیر غایت شناختی «تعلق اضطراب و ایمان»، در روایت ابراهیم اتفاق می‌افتد. او ایمان را یک معجزه قلبی می‌داند و در ادامه آن را به شور تشبیه می‌کند. نکته موردتوجه اینجاست که او بر ضرورت مفهوم اضطراب برای تحقق یافتن ایمان تأکید دارد. در ادامه، او در جایی مسئله‌ی فرقه‌گرایی را با بی‌رحمی تمام نقد می‌کند تا مبادا از فلسفه‌ی او تعبیری موافق با فرقه‌گرایی انجام شود. او در باب فرقه‌گرایی، در بخش «مسائل» از کتاب ترس و لرز می‌گوید: «شهسوار حقیقی ایمان همیشه در تنهایی مطلق به‌سر می‌برد، حال آنکه شهسوار دروغین فرقه‌گراست. این فرقه‌گرایی کوششی است برای بیرون جستن از معبر باریک پارادوکس و تبدیل شدن به یک قهرمان ترازوی به بهای بسیار ارزان. قهرمان ترازوی یک کلیت را بیان می‌کند و در راه آن خود را به‌هرشکل قربانی می‌کند. اما دلچسب فرقه‌گرا به‌جای اینها، تأثیر خصوصی خود را دارد. شهسوار ایمان پارادوکس است، به‌عبارتی فرد است و مطلقاً چیزی جز فرد نیست، بی‌هیچ ارتباط و ملاحظه‌ای. آنچه فرقه‌گرای حقیر قادر به تحملش نیست، وحشت است.» به‌راستی شهسوار ایمان یگانه‌وارث بر حق «وحشت» است. خوانش کتاب ترس و لرز، تجربه دست‌یافتن به ادراکی الهی از مفاهیمی نظیر اضطراب، عشق و ایمان است.



می‌کند: جهانی که «خود» یک امر ذات قائم نیست بلکه سوژه‌ای برساخته از ارتباط با «دیگری» است؛ دیگری‌ای که به‌قول سارتر، جهنم است اما راه رستگاری در جهان مدرن از تعامل با دیگری می‌گذرد و رهایی فرد به رهایی دیگری وابسته است تا کسی از فرآیند رشد جانمانند.

آدم‌ها ایجاد کرده و به سردرگمی و سرخوردگی آدم‌ها دامن می‌زند. آدم‌هایی که نمی‌توانند خود را با جامعه مدرن و ملزومات آن تطبیق داده یا در سازگاری با آن دچار تاخیر می‌شوند و در نهایت از جامعه جامی مانند؛ جاماندانی که با یک تراژدی انسانی همراه شده و با افسردگی و اضطراب برساخته از زیست-جهان مدرن همراه



سقوط در خویشتن

نقد فیلم **جاماندگان** اثر الکساندر پین



سحر عصرازد
 منتقد فیلم



کوهستانی که تحت تأثیر صدای گوش‌خراش موسیقی ساموئل از طبقه بالاست و به‌نوعی حسادت/مخالفت او را به‌عنوان یک مرد/نویسنده به‌شکل گرفتن دیالوگ بین آنها نشان می‌دهد...

نامانی پایانی که زاندر تنها در بستر، گویی بار سنگین روی دوش اش را نمی‌تواند زمین بگذارد. اما کدام (بار)؛ (بار) سنگین گذار از محکومیت دادگاهی یا (بار) سهمگین آغوش معنادار دنیل همان چند لحظه قبل؟! زاندر آن‌کدام یک است؛ یک نویسنده جاه طلب که از کمال‌گرایی و سرخوردگی شوهرش بهره‌برده و به افسردگی او دامن زده یا زنی که بیماری دنیل را بهانه‌ای برای گریشات متفاوت خود پایان دادن به یک زناشویی فرسایشی کرده یا...

همه این تعاریف می‌توانند شمایل مه‌آلود این زن را شکل دهند و در عین حال قطعیتی برای هیچ‌یک وجود ندارد. آنچه قطعیت دارد، شخصی‌ترین مواجهه او با خودش است که فیلمساز با الهام از واقعیت جهان هستی، گام به‌ساحت آن نمی‌گذارد تا مخاطب را متوجه سهمگین بودن قضاوت درباره این درونی‌ترین لایه شخصیتی کند... سقوطی به درون خویشتن که سقوط ابتدایی ساموئل می‌تواند استعاره‌ای از آن باشد.

و ضعف پیش می‌روند. اما مهم این است که مُهر پایان را بر این پرونده، شهادت شاهدهی رقم می‌زند که دچار ضعف بینایی است و ابهام در قطعیت روایت او موج می‌زند. در واقع آنچه دنیل به‌عنوان فلاش‌بک از دیالوگ جاری بین خودش و پدر در داخل ماشین به‌عنوان دلبری محکمه‌پسند برای افسردگی و خودکشی او روایت می‌کند، بر مرزی از خیال و ذهنیت و تلاش برای نجات مادر از محکومیت حرکت می‌کند که به‌خودی‌خود شبهه‌برانگیز است.

فلاش‌بکی هم که فیلمساز از تصویرسازی این روایت ثبت کرده، با ظرافت و هوشمندی در فرم و ساختار روایی و تصویری، غیرواقعی بودن آن را به‌شکل تلویحی نشانده‌گذاری می‌کند.

به گفته بهتر، مادر پایان با توانی نمایشی در درام روبه‌رو هستیم که بیشتر برآمده از مصلحت‌اندیشی است تا حقیقت‌جویی... و مادر و پسر در بزخی ترازیک قاب می‌شوند که هر لحظه امکان شکستن آن می‌رود؛ از لحظه‌ای بعد از تیتراژ پایانی تا آینده‌ای نامعلوم!

این حس است که از همان ابتدا زیرپوست فیلم موج می‌زند؛ از لحظه آغازین سکانس مصاحبه خبرنگار، زونی سولیدور (کامیسل رودفورد) و زاندر را در خانه

فیلم سینمایی «آنانامی یک سقوط»، روایتی است چندلایه که بر بستر کالبدشکافی یک پرونده جنایی به آسیب‌شناسی رابطه یک زوج نویسنده می‌پردازد. اما این همگی دستاورد درام‌محوری نیست و در زیر لایه اثر می‌توان راهی به مفهوم اصیل بن‌بست ذهنی هنرمند (اینجاییک نویسنده) پیدا کرد که به‌ظرفیترین شکل ممکن بازتابی شده است.

ژوستین تریه؛ نویسنده و کارگردان فرانسوی، چهارمین فیلم بلند خود را پس از آثاری همچون «ویکتوریا» و «پیشگو»، بر اساس فیلمنامه‌ای به قلم خود و آرتور هراری ساخته که در نگاه اولیه یک درام دادگاهی بر محور یک پرونده مرگ و شبه‌قتل - خودکشی به‌نظر می‌آید. همین شبهه است که بدون اغراق و بزرگنمایی کلیت فیلم را اداره می‌کند و به‌تدریج شک و تردیدهای عمیق و ریشه‌های تری را نه‌تنها نسبت به مرگ هر روز ساموئل مالسکی (ساموئل تیس)، بلکه درباره ماهیت رابطه او و همسرش؛ زاندر روبرتر (زاندر هولر) به‌عنوان یک زوج و حتی فراتر از آن، به‌عنوان دو نویسنده رقیب ایجاد می‌کند. این حرکت پیش‌رونده که بستر درام را فراتر از اتهام قتل، مپه‌ای آشکارسازی ماهیت رابطه دو نویسنده کرده و در محدوده لوکیشن دادگاه و کلبه کوهستانی باقی می‌ماند، چیزی فراتر از چالش‌های متداول نویسندگی است و به یک خودزنی دراماتیک می‌ماند.

اما تریه و هراری - چه در مرحله نگارش، چه در پروسه کارگردانی - این محدودیت را به یک فرصت طلایی برای خوانشی تازه از کلیشه (عدم قطعیت) بدل کرده‌اند؛ آن‌هم در یک درام دادگاهی که طبعاً به دنبال کشف حقیقت است. در عین حال نقبی می‌زند به فرآیند خلق و آنچه ذهن یک نویسنده کمال‌گرا را از ترس مواجهه با ناتوانی در آفرینش به بن‌بست می‌کشاند.

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی ساده یک مرحله‌ای

نوبت اول

موضوع مناقصه: خرید لوله فولادی دروزار ۱۲ و ۱۶ اینچ جهت تغذای شماره ۲۷-۳۱۸۰

شرکت گاز استان البرز در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی ساده مناقصه به شماره نیاز (۲۰۰۲۰۱۴۰۲۰۰۰۰۰۷۵)

در سامانه تدارکات الکترونیکی (دولت) برگزار نماید.

مبلغ برآورد اولیه: ۱۹۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۹۷۰۰۰۰۰۰۰ ریال

آخرین زمان مهلت دریافت اسناد توسط مناقصه‌گر: ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

آخرین زمان بازگذاری اسناد توسط مناقصه‌گر: ساعت ۱۶:۰۰ روز یکشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

زمان بازگشایی پاکت «الف، ب، ج»: ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

شرایط مناقصه‌گر:

۱. ارائه تأییدیه وزارت نفت
۲. تأییدیه سامانه توانیران در خصوص ارقام موضوع مناقصه توسط تولیدکنندگان الزامی بوده و تأمین کنندگان از تولیدکنندگان که در سامانه توانیران ثبت‌نام نموده‌اند می‌توانند نسبت به تأمین کالا اقدام نمایند و تأییدیه سامانه توانیران مربوط به تولیدکننده مزبور ارائه نمایند.
- آدرس: استان البرز، کرج، میدان طالقانی، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، روبه‌روی تربیت ۶، شرکت گاز استان البرز، اموایی‌ها